

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهر روز سورن
۲۵ اپریل ۲۰۱۹

در آستانه اول ماه می، علیه آفت جنبش کارگری (فرقه گرایی)



حقیقت این است که طیف وسیع منفردان فعال سیاسی و اجتماعی می توانند در این برهه زمانی حساس بهتر و مؤثر تر از گذشته نقش بازی کنند. ناامیدی از سازمانهای چپ سرنگونی طلب دهه هاست که ثابت شده است. همه همگرایی های تا کنونی آنها که منتج از فشار شرایط بوده است و با آگاهی سیاسی آنها بی ربط بوده است به شکست انجامیده است. هم نشستی شش جریان سیاسی چپ و کمونیست نیز که باقیمانده جلسه بزرگ نیروهای چپ سرنگونی طلب بود و آن هم

بازتابی از کنش جریان راست بود، چشم انداز باشکوهی در آینده نزدیک نخواهد داشت. چپ اما باید خودنمایی کند و بود خود را به نمایش بگذارد. باید در جریان برآمد مجدد جنبش های کارگری و خیابانی و دانشجویی و زنان حضور داشته باشد.

سالهاست که شاهد ریزش بدنه سازمانهای سنتی بوده ایم. این روند پوشیده نیست. انشعاب پس از انشعاب بدون جایگزینی نیروها از طریق نسل جوان. درسی که از این پروسه بشدت منفی می توان گرفت این است که عملکرد پر اشتباه و غیر دمکراتیک سازمانهای چپ پس از انقلاب ۵۷ که هم اکنون و پس از دهه ها کمتر نامی از آنها باقی مانده است یکی از بزرگترین دلایل و عدم توجه نسل جوان به آنها بوده است. در شرایطی که در داخل کشور سالها پیش کتاب سرمایه مارکس پر فروش ترین کتاب سال معرفی می شود اما بر صفوف سازمانهای سنتی چپ در خارج از کشور که نامی را از آندوران پدک می کشند افزوده نمی شود که هیچ بلکه ریزش مزمن این نیروها را نیز طی دهه های گذشته مشاهده می کنیم.

برآمد سرنگونی طلبان در صحنه خیابانهای کشور که در دیماه [جدی] سال ۹۶ شاهد آن بودیم نه تنها بر ساختار تشکیلاتی این سازمانها بی اثر بود بلکه نوعی بی اعتنائی عمومی را نیز به این سازمانهای چپ نشان داد. اگر این تشکل ها نمایندگی گرسنگان و پابرهنگان را نمی کنند پس نمایندگی کدام اقشار را به عهده گرفته اند؟ چرا در این زمینه سخنی رانده نمی شود و تحلیلی عریان نمی گردد؟

واقعیت این است که این سازمانها و احزاب چپ نمادین گذشته های سرکوب و منکوب شده توسط فاشیسم اسلامی دهه هاست که تنها نمایندگی سازمان و تشکل خود را می کنند چرا که تلاشی شایسته برای برونرفت از این بن بست را نیز به عهده نگرفته اند. به روند رشد و افزایش نارضایتی ها در داخل کشور نگاهی ندارند. آنچه مهم است حفظ تشکیلات است و بس!

بسیاری از قلم زنان تا کنون جسور یکباره! سکوت کرده اند. بسیاری از بلندگوی نصفه و نیمه آنها ارتزاق می کنند و هیچ در نقد آنها نمی گویند. نان به نرخ روز می خورند. نقد علنی نمی کنند. شهادت سیاسی و صداقت خود را بلعیده اند. مهم میکروفون آنهاست که هر از گاهی در اختیار آنها قرار بگیرد. مهم رسانه آنهاست! برآمد جنبش کارگری و معلمان و بازنشستگان و مالباختگان برای آنها اهمیتی ندارد. مهم حفظ تشکیلات از یکسو و داشتن بلندگو از سوی دیگر است. مهم قسم هائی است که پشت پرده و بر اساس رفاقت های دیرینه! خورده اند تا جمع آبرفته و بی تأثیر خود را حفظ کنند. از همه سازمانها نمی گویم. برخی خود را بیشتر دمکراتیزه کرده اند. تحمل گفته های دیگران را کم و بیش دارند. این که منفرد است یا نامی پر طمطراق پشت خود دارد، در درجه دوم است. سایت هایشان فقط به خودی ها تعلق ندارد. بحث هایشان فقط با اعضای تشکیلاتی خود نیست. خسته کننده نیستند. حوصله خواننده را سر نمی برند. تشکیلات خود را تنها ابزار می بینند و نه هدف. برای همبستگی علیه آدمخواران حاکم اهمیت قائل هستند. شرط و شروط تعیین نمیکند. پای بحث و مذاکره برای کار مشترک و همبستگی بزرگتر می آیند. حال آن که غالب سازمانها و احزاب چپ سنتی که نامی را از گذشته های دور یدک می کشند گامی در اینجهت بر نمی دارند مگر آن که پرچم سازمانی آنها برافراشته گردد. توهم می تواند همچنین سیاسی باشد. ذهنیتی دور از واقعیت باشد. همه ضرورت ها را تابعی از تمایل سازمانی خود می دانند و بی اعتنا به ملزومات سیاسی روز هستند. هر از گاهی اطلاعیه پراکنی می کنند همانند [شش حزب سیاسی چپ و کمونیست](#) و وظایف خود را پایان یافته می انگارند. در پیلۀ خود تنیده فرو رفته اند و تغییرات و پیشرفت های تکنولوژی ارتباطی را نمی بینند که امروز یک نظر فردی در برابر اعلامیه ای سازمانی قرار دارد. منفرد در توئیتر و یا تلگرام هزاران دنبال کننده دارد حال آن که سازمانی با نامی از گذشته های دور و بی اثر در شرایط کنونی نمی تواند حتی صد دنبال کننده که اغلب متعلقان آنها هستند، داشته باشد. از اینهمه اما درسی نمی گیرند و لجبازانه به پرچم سازمانی خود آویزان شده اند!

خطاهای فاحش سیاسی، گذشته ای بغایت نا روشن، سیاستهای درون سازمانی غیر دمکراتیک، نگاه بی اعتنا و برخورد از بالا با محیط بیرونی خود به ویژه منفردین سیاسی اجتماعی مستقل. تحلیل نادرست و ناتوان از موقعیت های سیاسی، سکوت در برابر برآمدهای کارگری و جنبش های مردمی در داخل و اطلاعیه پراکنی با تعویق زمانی بسیار، فرقه گرایی و تشکیلات پرستی ... همه و همه نشانی از ناکارآمدی سازمانهای چپ سرنگونی طلب در خارج از کشور است که بخش بزرگتری از بدنه خود را به همین دلایل از دست داده اند. این بخش بسیار بزرگتر همان نیروهای منفردی هستند که بار وظایف این سازمانها را به عهده گرفته اند و از بلندگوهای آنها صرفنظر کرده اند. آنهایی که سکوت می کنند تا از میکروفون این نهادهای سمبلیک بهره ببرد اپورتونیست هستند. بسیاری را می شناسم که در قامت منفرد شهادت نقد سازمانهای سمبلیک سنتی را از دست داده اند که میکروفون به دست بگیرند. بماند. تا نوشتار بعدی

چه باید کرد؟

بی تردید آن که مؤثر است و واقع خواهد شد منفردان هستند. چه با تشکل و چه بدون آن. امروزه اندیشه سیال است. در خدمت هیچ گروه و تشکل و سازمان و حزبی نیست. روان می شود و جای خود را باز می کند. همانند آب. همانند هوای تازه ای که دیگر در اختیار دستگاه کپی و افست سازمانهای سنتی در گذشته های دور نیست. دیگر در اختیار عضو و کادر سازمان ها نیست تا با آن فخر بفروشند و خویش را پر بها نشان دهند. امروزه برای اینگونه افراد تره هم خورد نمی کنند. اندیشه و نظر حرف اول را می زند. مادیت می یابد و جا می افتد. منفرد یا سازمانی اهمیتی ندارد. حقیقت این است که طیف وسیع منفردان فعال سیاسی و اجتماعی می توانند در این برهه زمانی حساس بهتر و مؤثر تر از گذشته نقش بازی کنند. نا امیدی از سازمانهای چپ سرنگونی طلب دهه هاست که ثابت شده است. همه همگرایی های تا کنونی آنها که منتج از فشار شرایط بوده است و با آگاهی سیاسی آنها بی ربط بوده است به شکست انجامیده است. هم جلسه شش جریان سیاسی چپ و کمونیست نیز که باقیمانده جلسه بزرگ نیروهای چپ سرنگونی طلب بود و آن هم بازتابی از کنش جریانات راست بود، چشم انداز باشکوهی در آینده نزدیک نخواهد داشت. چپ اما باید خودنمایی کند و بود خود را به نمایش بگذارد. باید در جریان برآمد مجدد جنبش های کارگری و خیابانی و دانشجویی و زنان حضور داشته باشد. تنها از این طریق است که می توان در آینده سیاسی کشورمان نقش داشت. دست در دست هم، قلم با قلم و گام با گام در همبستگی گسترده در کنار مردم عصیان زده قرار بگیریم و بیهوده تازی تشکل های سنتی را به حاشیه برانیم.

زنده باد همبستگی و اقدام طیف وسیع منفردان سیاسی و اجتماعی مستقل

بهروز سورن

۲۰۱۹/۴/۲۲